

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"  
۲۲ اگست ۲۰۱۷



## اندیشه، آرمان و تجدید میثاق

۳

ادعا قیمت ندارد جز به میدان عمل  
پهلوان خارج از میدان نمی ارزد به هیچ

### ۷ - عضویت در یک سازمان سیاسی:

هر حزب و سازمان سیاسی متشکل از سه جزء یا مؤلفه است:

الف: اندیشه یا ایدئولوژی رهنما؛

ب: خط مشی سیاسی؛

ج: ابزار تشکیلاتی.

### الف: اندیشه یا ایدئولوژی رهنما:

اندیشه یا ایدئولوژی انقلابی در مفهوم مثبت واژه ایدئولوژی، به معنی آگاهی راستین (مقابل آگاهی کاذب) چنین تعریف و تبیینی دارد: ادراک عقلی و بیان فشرده تئوریک کلیت جامعه طبقاتی و مجموعه روابطی که طبقه زحمتکش و نیروی کارش را تبدیل به کالا و خود وی را از خود بیگانه ساخته است و راه و چشم انداز برونرفت از این موقعیت ستم‌کنشی. این ایدئولوژی یا معرفت طبقاتی: شناخت مناسبات تولیدی و روبنائی حاکم، همراه با شناخت خود به عنوان یک طبقه در دامان این مناسبات و رسالت تاریخی طبقه ستمکش برای تغییر موقعیت ستمگری و ستمکنشی - را شامل می‌شود. اندیشه رهنما برای هر حزب و سازمان سیاسی سنگبنای مجموعه نظام همبسته فکری، سیاسی، عملی، سازمانی و آرمانی آن را مهیا می‌کند و راه و روش رسیدن به سرمنزل مقصود آرمانی را می‌نمایاند.

هر حزب و سازمان سیاسی در نقش نماینده سیاسی و مدافع منافع طبقه یا طبقات معینی در جامعه ایجاد شده و به فعالیت می پردازد. با توجه به جایگاه، منافع و اهداف هر طبقه در جامعه طبقاتی، احزاب سیاسی نیز به طور کلی، دارای اهداف و چشم انداز آرمانی محافظه کار یا پیشرو اند؛ یا در پرتو اندیشه ارتجاعی و محافظه کار، رجعت به گذشته داشته و حافظ نظم موجود و تداوم آن اند یا در روشنائی اندیشه انقلابی، میسر تغییر اند. به این اعتبار، احزاب سیاسی کلاً به جایگاه های چپ یا راست تعلق دارند.

### ب: خط مشی سیاسی:

خط مشی یا خط سیاسی به حاصل جمع تاکتیک ها و ستراتیژی مبارزاتی هر حزب و سازمان سیاسی گفته می شود که در برنامه آن تصریح شده است. در واقع برنامه حزبی بیانگر خط مشی سیاسی یک حزب و سازمان سیاسی است. خط مشی دربرگیرنده مواضع، سیاست ها، راه ها، ابزار، روش ها، اشکال سازمانی و مبارزاتی، و هدف و دورنمای هر مرحله انقلاب است. هر حزب و سازمان سیاسی در پرتو جهان نگرشی، تاکتیک های مبارزاتی متناسب با اهدافش را برای تحقق ستراتیژی اش به خدمت می گیرد.

### ج: ابزار تشکیلاتی:

ابزار تشکیلاتی همان دستگاه تشکیلات یا (Apparatus) است که مجموعه فعالیت نظری و عملی هر حزب و سازمان سیاسی در پرتو اندیشه رهنا و طبق خط سیاسی آن به طور جمعی به اجراء درمی آید. تشکیلات برای پیشبرد منسجم و سیستماتیک فعالیت مبارزاتی، به اصول و موازین ناظر بر این فعالیت جمعی نیازمند است. این موازین تشکیلاتی شامل سلسله ضوابطی است که در آئین نامه یا اساسنامه هر حزب و سازمان سیاسی تصریح و تصویب شده و اعضاء ملزم به اجرای آن هستند. این موازین تصریح شده در آئین نامه، معیار های ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی عضویت؛ حقوق و وجائب اعضاء؛ سلسله مراتب سازمانی؛ صلاحیت و مسئولیت مراتب سازمانی؛ نکات انضباطی و غیره موارد را شامل می شود.

با توضیحات مختصر فوق در مورد مؤلفه های سه گانه یک تشکل سیاسی، شرایط عضویت در یک سازمان سیاسی را درمی یابیم: مسأله عضویت در یک سازمان یا حزب سیاسی با هر سه مؤلفه وجود یک نهاد سیاسی مرتبط است: با ایدئولوژی رهنا؛ با خط مشی سیاسی؛ با موازین آئین نامه ئی.

نخستین و مهم ترین شرط عضویت در یک حزب یا سازمان سیاسی، پذیرفتن آگاهانه ایدئولوژی رهنا می آن است. خط سیاسی به تعقیب آن می آید. هر دو در برنامه تصریح شده است. آئین نامه یا اساسنامه به تشریح موازین تشکیلاتی عضویت می پردازد. کلیه شرایط عضویت در یک تشکل سیاسی که در برنامه و آئین نامه آمده است، این طور خلاصه می شود:

۱- قبول برنامه و آئین نامه حزب یا سازمان سیاسی؛

۲- فعالیت در چهارچوب یکی از واحد های تشکیلاتی برای تحقق برنامه؛

۳- پرداخت منظم حق العضویت.

شروط سه گانه فوق از دیرباز تا حال در سازمان های طراز نوین طبقه کارگر به مثابه شرایط عضویت در این گردان های انقلابی پیشرو مطرح بوده اند. هرگاه یک فعال سیاسی واجد شرایط سه گانه فوق باشد، عضویتش در یک نهاد سیاسی کامل بوده، در غیر آن در همان واحد زمانی واجد شرایط عضویت نمی باشد.

این ها اند شرایط عضویت در یک حزب یا سازمان سیاسی که در بالا به اجمال مرور شد.

## ۸ - معیار های عضویت در (ساما) به مثابه یک سازمان سیاسی، کدام ها اند؟

در روشنی توضیحات مختصر فوق در مورد شرایط عضویت در یک سازمان سیاسی، پایه و اساس معیار های عضویت در (ساما) چنین وضاحت می یابد:

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان ساما به مثابه یک سازمان سیاسی پیشرو و گردان انقلابی طراز نوین؛ دارای اندیشه پیشرو رهنمونی، مشی سیاسی انقلابی، دورنمای انقلابی و موازین دقیق تشکیلاتی بوده که درج برنامه و آئین نامه آن است. این سازمان معیار های سه گانه برای عضویت دارد. در سازمان (ساما) نیز مثل هر تشکل انقلابی دیگر، معیار های دقیق ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی برای عضویت مطرح است. این شرایط عضویت در (ساما)، در ماده اول آئین نامه مصوب دومین کنگره این سازمان انقلابی مؤرخ حمل سال ۱۳۷۵ش چنین آمده است: "کسی که سن هژده سالگی را تکمیل کرده و برنامه و آئین نامه سازمان را بپذیرد و در یکی از حلقات تشکیلاتی به طور فعال، پیگیر و صادقانه اشتراک کرده و حق العضویت بپردازد و از مصوبات سازمان عملاً دفاع نماید؛ عضو سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) شناخته می شود."<sup>[۲]</sup> در ماده های دوم و سوم همین آئین نامه، چگونگی و گام های عملی کسب عضویت بیان شده است.

مراجعه به این معیار های روشن مبتنی بر پایه های محکم ایدئولوژیک، سیاسی و آئین نامه ئی؛ اغتشاش آفرینی در مسأله عضویت در ساما را بی اثر ساخته و نیت غیرشریفانه اغتشاش آفرینان را نیز آشکار می سازد.

## ۹- واژه «سامانی» چه تعریفی دارد و «سامانی» به چه کسی اطلاق می شود؟

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به محوریت و طلایه داری مجید در سرطان ۱۳۵۸ش ایجاد و پس از تجاوز نظامی سوسیال امپریالیسم غدار روس به کشور ما، با بلند کردن شعار حماسی (یا مرگ یا آزادی!)، پیشتاز رزم سترگ ضد استعماری شده هم از نگاه سیاسی و نظامی خواهان انجام رستاخیز خودجوش توده های میلیونی به پاخاسته کشور علیه استعمارگر روسی و سلطه پوشالی بردگان بومی آن بود.

پس از ایجادش، در شرایط آن روز کشور ما، ساما بزرگ ترین ظرفیت انقلابی و آزادیبخش در کنار و پیشاپیش توده های راست قامت کشور محسوب می شد و این سازمان دستآورد های درخشان مبارزاتی را در کارنامه های مبارزاتی خود دارد. مسلماً نام آوری و بلند آوازی مجید و پیشتازی رزمندگان سامانی در سنگر های مختلف نبرد ضد استعماری، این سازمان را به منبع امید و ناجی طیف های سیاسی - فرهنگی مردمی و توده های ستمکش کشور مبدل ساخته بود. در سنگر های نبرد سامانی ها در شهر ها، روستا ها و در خارجه؛ هر یکی از روابط توده ئی، افراد مسلح، سمپات ها، روابط خانوادگی، روشنفکران آزادیخواه و دموکرات، هواداران و سائر روابط اجتماعی ساما که به نحوی در خدمت مبارزه ساما و از طریق آن ممد پیکار آزادیبخش و انقلابی در کشور بودند؛ با افتخار خویشتن را «سامانی» می انگاشتند.

اما واقعیت امر و معیار برنامه ئی و آئین نامه ئی «سامانی بودن» از چه قرار بوده است؟ واقعیت این است که در میان هزاران هزار از روابط، علایق و دوستداران رزمنده مجید و ساما از کران تا کران کشور و در برونمرز، تنها افراد زیاد مشخصی عضویت ساما را داشتند و «سامانی» نامیده می شدند، نه همه. زیرا واژه «سامانی» پیوسته بار ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی را حمل می کرده و معرف هویت مشخص و دقیقاً تعریف شده فکری، سیاسی و

سازمانی بوده است. در گذشته چنین بود و حالا نیز چنین است. وجود برنامه به قلم بانی ساما زنده یاد مجید و آئین نامه معتبر در دسترس اعضاء و عموم، جایی برای اندک ترین شک، شبهه، اغتشاش، قلب ماهیت و تحریف باقی نمی گذارد.

صفت نسبی «سامائی» با افزودن (سر "ی" و "ی" - در واقع دو "ی") نسبت در اخیر اسم «ساما» حاصل می شود. در روشنی توضیحات فوق و به رویت اسناد معتبر، تعریفی که از واژه «سامائی» می توان ارائه کرد، چنین است: «سامائی کلمه ای است که نسبت فرد را به ساما و شالوده های اندیشه نی ساما می رساند و به او هویت مشخص فکری، سیاسی و سازمانی می بخشد». این نسبت و قرابت؛ محتوا و معیار دقیق ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی داشته و نسبتی است که ریشه در اندیشه، سیاست، تشکیلات، اخلاق، راه و رسم، پراتیک، آرمان و دورنمای مبارزاتی تعریف شده ساما دارد.

به معنای دقیق کلمه، واژه سامائی به فردی اطلاق می شود که بر اساس معیار های دقیق بالا در یک مقطع زمانی بر پایه شرایط عضویت، واجد شرایط فوق بوده و عضو سازمان ساما باشد. با توجه به بار ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی هویت سامائی و تعریف این هویت در برنامه و آئین نامه ساما، واژه سامائی به روابط توده ئی - اجتماعی، افراد مسلح قبلی، سمپات ها و هواداران ساما اطلاق نشده و کاربرد ندارد. فقط با تعریف و کاربرد دقیق این واژه است که فرد دارای هویت سامائی (عضو ساما) از سایر افراد تفکیک شده و راه نیز بر اغتشاش آفرینی، هویت زدائی، معیار زدائی و تحریف چبستی و واقعیت وجودی ساما و سامائی ها، مسدود می شود.

### هواداران ساما:

همین گونه ترکیب "هوادر ساما" به میزان کمتری از واژه "سامائی"، محتوای ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و عملی دارد. هوادار یا هواداران ساما ترکیبی نسبی است که "تعلق فرد یا افراد هوادار را در یک مقطع زمانی مشخص به "ساما" و شالوده های ایدئولوژیک، سیاسی و موازین تشکیلاتی "ساما" و ارتباط با هیأت رهبری مدافع این شالوده ها و تطبیق کننده خط ایدئولوژیک، سیاسی و اصول آئین نامه ئی "ساما"، بیان می کند." شرایط و عناصر لازم هوادار بودن به یک تشکل سیاسی مثل (ساما) این ها اند:

۱. قبل از این که پای هوادار و هواداری در بین باشد، باید سازمانی با خط روشن و مشخص ایدئولوژیک، سیاسی و موازین تشکیلاتی وجود خارجی داشته باشد. نمی شود که از هیچ هواداری کرد؛

۲. وجود هیأت رهبری در رأس سازمان برای تطبیق بی انحراف خط؛

۳. وجود رابطه ارگانیک متقابل و داد و ستد ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی میان هیأت رهبری سازمان و فرد یا افراد هوادار؛ در خارج از کشور؛

۴. در صورت غیابت رهبری (به اثر ضربات وارده یا انحراف یا ارتکاب خیانت توسط هیأت رهبری)، شرایط لازم هوادار بودن برای افراد فعلاً بلاتکلیفی که طی یک تفاهم به این رهبری منحرف رأی اعتماد داده بودند، وجود ندارد. زیرا این دسته از افراد در قبال خط، تخطی از خط و رهبری منحرف تا هنوز بلاتکلیف مانده اند. اولین تکلیف این دسته از افراد بلاتکلیف این است که قبل از همه و حتا قبل از پرداختن به استعمار، امپریالیسم و ارتجاع؛ باید در قبال خط، تخطی از خط و رهبری تسلیم طلب منحرف از خط انقلابی، تعیین تکلیف کنند. تا این کار را نکنند کسی خود شان و حرف های شان را تحت هر اسم و رسمی - چه به اسم "ساما" یا "غیر ساما" - جدی نمی گیرد.

در مورد ترکیب " هواداران ساما" باید با صراحت بگوئیم که این اسم جمع نه به صورت عام و مبهم، بلکه به گونه اسم خاص در "ساما" کاربرد داشته است. مثلاً " هواداران ساما در کانادا". این اسم خاص معرف تعلق فکری، سیاسی و سازمانی یک جمع معین در زمان معین و در کشور معین به "ساما" و ارزش های "ساما" است. این اسم جا افتیده حاصل زحمات جمع کثیری از هواداران "ساما" در کانادا است. این اسم طبق شرایط چهارگانه فوق الذکر معنا یافته و کاربرد آن سواى این شرایط؛ غیر اصولی، تخطی از شرایط، بی محتوا و در حکم دستبرد زدن است.

آن گونه که زنده یاد رهبر در مورد اخلاق انقلابی سامائی تأکید ورزید؛ امروز و فردا چنانچه دیروز، ما فقط در صورتی می توانیم بگوئیم که ما به اخلاق سامائی، به اخلاق مجید (که جزء لاینفک سامائی بودن است) ملبس هستیم که: " ما به اخلاق انقلابی خود را ملبس بسازیم. ما زندگی خود را به سازمان و کار سازمانی وقف کنیم؛ سخت کوش باشیم و انضباط سازمان را مراعات کنیم؛ در اجرای دقیق خط مشی سازمان از همه بیشتر وسواس داشته باشیم؛ منافع سازمان، انقلاب و مردم خود را بر منافع خود، خانواده خود، خویشاوندان و دوستان شخصی خود مقدم بشمریم؛ به خلق خدمت کنیم و از جان و دل در خدمت مردم به پا خاسته خود باشیم؛ برای سازمان و مردم خود فداکار و از خودگذر باشیم و نمونه وار در هر کاری پیشقدم شویم؛ صداقت انقلابی و تواضع انقلابی را به عادت خود مبدل کنیم."

بله، فقط در این صورت است که می توانیم بگوئیم که ما به اخلاق سامائی ملبس هستیم! ما به اخلاق مجید ملبس هستیم! ما پیروان واقعی مجید هستیم! ما سامائی هستیم!

اندیشه انقلابی که مجید پس از سال ها جست و جو بدان دست یافت و تا آخر آن را محکم نگه داشت، مشعل فروزانی است که فراراه صفوف پیکار ستمکشان گیتی می درخشد و ره می نمایاند. با توجه به منافع مشترک همه ستمکشان دنیا، اندیشه پیشرو خصلت جهانی دارد. به همین سیاق، اندیشه ارتجاعی و محافظه کار نیز منافع همه ستمگران گیتی را برمی تابد.

با توجه به خصلت جهانی و کاراکتر طبقاتی اندیشه پیشرو عصر؛ مجید، رهبر، یاری ها، میرویس، جرأت، سرمد، رستاخیز، تیمور، پویا، سیدال، طغیان ها، انجنیر سرور، گل محمد، داوود منگل، داکتر فیض احمد، بهمن، لهیب، محمودی ها و هزاران انقلابی پاکبخته دیگر جنبش انقلابی افغانستان شخصیت هائی بودند با بینش طبقاتی و دارای اندیشه پیشرو جهانشول مبشر تغییر. آنان نه پشتون، نه تاجیک، نه هزاره، نه اوزبیک و نه ترکمن بودند؛ بلکه آنان فرزندان رنج و مبارزه، فرزندان خلف خلق ستمکش افغانستان بودند. مجید و سائر پیشگامان انقلابی کشور ما شخصیت های فراقومی و فرامحلی افغانستان شمول با دید طبقاتی بودند. دوختن هر نوع لباس قومی، زبانی، محلی و خونی - خانوادگی، بر قامت های رسا و تنومند مجید و آن گردان دیگر انقلاب، تنگی می کند.

اگر مجید تا امروز و مسلماً تا فردا ها، به مثابه قهرمان پابرهنگان و وجدان بیدار توده های رنج و کار، با تاریخ گام برمی دارد و در زمان حال جاری است، و الگو و بدیلی است که در زمان حال مطرح؛ دلیلش اعتبار علمی، منطقی و عملی اندیشه انقلابی مجید؛ کارنامه های درخشان مبارزاتی او؛ میداننداری سازمان و همزمان راستینش و مطرح و زنده بودن آرمان انقلابی اوست. آری! این ها اند راز زنده بودن و همگامی مجید با زمان.

مجید این رفیق ستمدیدگان و ساما زمانی در پیشگاه تمام خلق و به ویژه ستمکش ترین طبقات جامعه و ملیت های برادر این سرزمین تعهد سپردند که: " تا نابودی نهائی استعمار، ستم و بهره کشی سلاح رزم خود را بر زمین ننهید".

کنون که استعمار، امپریالیسم، ارتجاع، ستم و بهره کشی در میهن مجید و ساما لجام گسیخته عمل می کنند، یگانه معیار وفاداری به اندیشه زنجیر گسل مجید، تمسک و توسل به راه و رسم مجید و آراسته بودن به اخلاقیات و سلوکیات انقلابی

مجید؛ عبارت است از پاسداری و تکامل میراث بزرگ معنوی انقلابی مجید و تکامل و به روز ساختن سازمان مجید در راه تحقق آرمان مجید تا نابودی نهائی امپریالیسم، استعمار، ارتجاع، ستم و بهره کشی. یک چنین تعهد، وفاداری و تجلیل از مجید و ساما که به تقویت، تحکیم و خروشندگی سنگر رزم مجید و تمرکز نیروی مبارزه بینجامد، عالی و ستودنی است و درخور شأن انقلابی آن بزرگان راه انقلاب. اما هر نوع سنگر گرفتن در پناه نام مجید و سامایش، بدون رزم جوئی انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع و بدون توجه به آن تعهد مجید و ساما در پیشگاه خلق، و بدون التزام به اندیشه و آرمان مجید؛ ستم در حق او، پشت کردن به آرمان او و معامله با نام مجید و بازی ایست خطرناک. سنگر گرفتن در پناه نام مجید و سامایش بدون تعهد عملی انقلابی، ممکن با دو انگیزه غیرشریفانه صورت گیرد:

(۱) کتمان بی باوری، مسخ فکری، بی عملی، انفعال و فلج مزمن، تعصب، انحلال طلبی، لوکالیسم، فراکسیونیسم و...، که به هدر دادن نیرو می انجامد؛

(۲) تخریب و سبوتاژ اندیشه انقلابی، تخریب و بی اعتبار ساختن هویت و نام مجید و سازمانش، لجن پاشیدن به کارنامه های انقلابی مجید، رهبر و سائر رزمندگان سامائی و از هیبت انداختن و آلودن مفاهیم انقلابی. با هر انگیزه غیرمبارزاتی و غیرشریفانه، به ویژه با نیت دوم یعنی قصد سبوتاژ و تخریب سنگر مبارزاتی مجید، این بازیگران ناشریف و ابله، مشغول بازی با آتش اند که خود را در کام شعله های سرکش آن انداخته و در آخر مثنی خاکستر می شوند.

### نتیجه گیری:

اندیشه، اخلاق، راه و رسم و آرمان انقلابی و سازمانگری عناصری از یک کلیت همبسته و دارای روابط متقابل دیالکتیکی با هم استند. حاصل جمع این عناصر و ارزش ها؛ جهان بینی و نظام فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تشکیلاتی، موازین، ابزار، روش ها و کنشگری انقلابی افراد و تشکل های انقلابی را می سازد. هم کلیت به هم پیوسته دیالکتیکی این مؤلفه ها و هم تجدید میثاق و التزام مدعیان راه با آن؛ بار، محتوایی و ابعاد جدی ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی و عملی دارد. هیچ گونه تجدید میثاق ادعائیی هم، جدا و سوای این بار، محتوا و ابعاد جدی ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی و عملی و داعیه مبارزاتی و انقلابی؛ نمی تواند به گونه جدی و واقعی مطرح باشد.

هیچ یک از اجزاء و عناصر متشکله، به تنهایی بدون این رابطه دورنی متقابل با دیگر مؤلفه ها، متصور و مطرح نیست. نمی توان یکی از اجزای این نظام ارزشی را گرفت و دیگری را رد کرد. ارزیابی انتقادی جامع و مانع از شخصیت سیاسی و اجتماعی مجید و کارنامه هایش و تاریخ مبارزاتی ساما نیز بدون و به دور از این شالوده ها و کلیت این سیستم نظام مند اندیشه، اخلاق، راه و رسم، حیات تشکیلاتی، تعهد و آرمان انقلابی؛ ممکن نیست. هر نوع ارزیابی قسمی و یا تجرید مؤلفه های این کلیت، ره به جایی نبرده و سرانجام به انحراف می انجامد.

ملاک و محک تشخیص هر مدعی جدی نیز در این سیستم همبسته، توسل به اندیشه، تمسک به خط و عمل انقلابی در پرتو آن، مطابق راه و رسم در چهارچوب ظرفیت تشکیلاتی در راه تحقق آرمان انقلابی است. توأم ساختن تئوری و ادعا با عمل انقلابی و دگرگون ساز، یگانه معیار جدیت و صداقت فرد یا افراد مدعی وفادار بودن به اندیشه و آرمان انقلابی است و بس!

اگر هر تئوری یا ادعائی محک «غش و ناب» خورد، یا زر ناب می برآید و یا مس تلخ! مدعیان صادق و کاذب اندیشه، راه و آرمان نیز در پایان کار، یا راستکار از آب درمی آیند، یا ریاکار و یا تخریب کار. سرنوشت راستکاران سرفرازی تاریخی است. ریاکاران عاقبت سر به صخره کوبیده و دچار سرشکستگی و سرافکندگی خواهند شد و تخریبکاران نیز دچار مذلت و شرمساری تاریخی.

---

#### **توضیحات:**

[۱] از دید سیکولار و مترقی، "جانناز" و "جاننازان" واژه های مناسب بدیلی برای کلمات جنجال برانگیز "شهید" و "شهداء" اند.

[۲] [برای مطالعه برنامه و آئین نامه ساما، روی این سطر کلیک کنید!](#)